



کسی ادعا داشته باشد که فیلمی مستند می سازد باید پاسخگوی درست ها و غلط ها باشد. داستان پردازی کمک می کند همه گروه سازنده کمی در پیشبرد داستان آرامش داشته باشند در ادامه حدس، تعلیق و فانتزی به زیبایی کار هم کمک خواهد کرد. ضمن اینکه فیلم مستند شرایط خود را دارد. نقش حمیرا مادر سوران نقش قابل لمس و باور یک مادر کرد است که الویت های او زندگی خانوادگی، فرزندانش و خوشبختی آنهاست. باور مادر هایی که زندگی اجتماعی را از زبان فرزندان یا شوهرانشان می شناسند و اعتقاد و باورهای آنها به اعتقاد و باورهای خودش تبدیل می شود. از حریم خانواده اش با همین حس و حال دفاع خواهد کرد. منطق او منطق مردان خانواده است.

### درباره تجربه همکاری خود با عوامل «سوران» بگویید.

شاید در شروع کار انتظار نداشتیم سریال سوران اینقدر دلنشین و دوست داشتنی بشود. روزهای تولید این پروژه با التهابات زیاد اجتماعی توأم بود. ولی به تدریج متوجه شدم کارگردان آقای سروش محمدزاده بسیار به کارش مسلط است. عوامل همه محدوده تخصصی اشان را می شناختند و هدایت خوب تهیه کننده محیط دوست داشتنی و صمیمی فراهم کرده بود. از همکاری با هنرمندان سریال، بازیگران و عوامل پشت صحنه بسیار خرسندم و خاطرات خوبی برایم باقی مانده است.

### به نظر شما در تلویزیون چقدر ساخت آثار اقتباسی موثر و دارای اهمیت است؟

به نظرم اگر تلویزیون قرار است به سراغ آثار اقتباسی برود باید تا اندازه ای دست عوامل سازنده را باز بگذارد، به پیش داورهای دامن نزنند و اجازه بدهد مدیوم ساخت از مدیوم نوشته جدا شود. زیرا دو زمینه هنری مختلف است. اگر چنین شود تلویزیون سهم خوبی در آشنایی مردم با ادبیات خواهد داشت. به جای تبلیغ و تشویق به کتابخوانی، کافیسیت نمونه های ساخته شده از کتابها جذاب باشد و این خود بخود مخاطب را به سوی خواندن کتاب مجموعه هدایت خواهد کرد.

### عباس ریاحی نویسنده:

«سوران» سومین سریال اقتباسی است که نوشته ام توجه به قصه سوران در ذهن و قلم شما از کجا نشأت گرفت که در روایت آن از اقتباس بهره بردید؟ تهیه کننده سریال، کتاب «عصرهای کریسکان» را به من پیشنهاد دادند، بعد از این که کتاب را خواندم، دیدم انتخاب درستی است و قرار گذاشتیم سناریویی را منحصر به بخشی از زندگی «سعید سردشتی» یعنی از تابستان ۱۳۵۷ تا شهریور ۱۳۵۹ بنویسم. قسمت زیادی از خاطرات کتاب هنوز دست نخورده است که می تواند دست مایه اقتباس سینمایی قرار بگیرد.

### چه شاخص هایی در این قصه دیدید که روایت آن در قالب فیلمنامه برایتان جذاب شد؟

پرسوناژ جذاب و گرم «سعید سردشتی»، وقتی داستانی را آنالیز می کنم تا ببینم می شود به فیلم و سریال تبدیل اش کرد یا نه، پرسوناژ برایم در اولویت است تا ماجرا. پرسوناژ درست، اگر در کتاب هم ماجرای خاصی را از سر نگذرانند، در فیلمنامه با رعایت چند تکنیک، قصه درست می کند. آن ها، منش و باید و نبایدهای خودشان را دارند. نمی شود رفتار و گفتاری را به آن ها تحمیل کرد. بلکه باید با صرف زمان و انرژی، مدام از پله های مارپیچ ذهن و زبان شان پایین و بالا رفت تا بالاخره این بایدها و نبایدها را کشف کرد.

### از آنجا که فیلمنامه این سریال در بستر اقتباس به رشته تحریر درآمده، در نگارش آن به عنوان نویسنده چقدر از تخیلات و قلم خود بهره گرفتید؟

فکر می کنم مخاطبی که کتاب را خوانده باشد، بعد از این که پخش سریال به اتمام رسید، شاید بتواند جوابی به این سوال بدهد.

### در یکی از مصاحبه ها عنوان کردید که نویسنده در اقتباس باید وفادار بماند در ارتباط با این قصه شما به نوبه خود تا چه حد وفادارانه پیش رفتید؟ این گفته شما استفاده از تخیل را رد و یا حتی غیر مجاز می شمارد؟

من تخیل را هم عرض تعقل می دانم. اگر می شود لحظه ای تعقل را رد کرد، پس تخیل را هم رد کنیم. منظور از وفادار ماندن، وفاداری

به «شاکله ی پرسوناژها و ماجراها»، «متن و زیرمتن»، «فرم و زیبایی شناسی» اثری است که می خواهیم از آن اقتباس کنیم.

### پس خودتان در حین نگارش نظرتان به تغییر یا حتی اضافه کردن موضوعی جلب نشد؟ اگر جوابتان بله است آیا اعمال آن موضوع و تغییر صورت گرفت؟

وقتی قرار می شود فرم و روایت از یک مدیوم به مدیوم دیگر تغییر پیدا کند، جرح و تعدیل ماجراها و پرسوناژها در چارچوب همان وفاداری ها، بدیهی ترین اتفاقی است که باید به استقبال شان رفت. در نتیجه، بله، من هم هنگام نوشتن تغییراتی ایجاد می کنم.

### قصه را به لحاظ پتانسیل چگونه می بینید؟ فکر می کنید کشش ادامه دار بودن، یعنی ساخت فصل دوم سریال امکان پذیر باشد؟

بعید می دانم. مگر این که از کتاب پرسوناژهای اصلی را نگه داریم و طراحی دیگری داشته باشیم. اما ادامه ی داستان «عصرهای کریسکان» در مدیوم ادبیات بسیار گیرا و خواندنی است.

### چه تمهیداتی را به کار گرفتید که قصه سوران از کشش و پتانسیل خوبی برای همراهی مخاطب برخوردار باشد؟ وفاداری به قواعد و ناواید قصه گویی و درام، به نظر همین برای طراحی و نوشتن سریال اقتباسی و غیراقتباسی کافی ست.

### به عنوان نویسنده فیلمنامه سوران چقدر معتقدید با گذشت زمان و پیشرفت داستان، ریتم ضرب آهنگ قصه نیز بیشتر خواهد شد؟

«سوران» در ۱۳ اپیزود نوشته شد که تا جایی که می دانم بنا به صلاح دید تهیه کننده، در اجرا تبدیل به هجده قسمت شده است. اعتقاد من دردی را دوا نمی کند. مخاطب اثر داور مناسبی برای تشخیص ضرب آهنگ و ریتم سریال است.

### چقدر به نگارش قصه در بستر اقتباس علاقه مندید؟ به این راه ادامه خواهید داد؟ یعنی نگارش فیلمنامه بعدی شما در مسیر اقتباس پیش خواهد رفت؟

«سوران» سومین سریال اقتباسی است که نوشته ام. سریالی که این چندماه مشغول طراحی و نوشتن اش هستم هم اقتباسی است و فکر می کنم این مسیری است که جواب می دهد و باید به آن ادامه داد.

### اقتباس تا چه حد می تواند به کیفیت قصه ها و کلیت فضای فیلمنامه کمک کند؟

اقتباس چالش های پیش بینی نشده ای همراه دارد. معمولاً اثری که می خواهیم از آن اقتباس کنیم، در ذات خود ما را با محدودیت هایی مواجه می کند که در ابتدا می تواند دست و پاگیر و ترسناک به نظر برسد، اما وقتی پرسوناژها و ماجراهایش و در نهایت فرم و دستور زبانش را اصلاح می کنیم، این محدودیت ها دیگر نه تنها مانعی نیستند بلکه بسیار کمک کننده نیز هستند.

### از آنجا که در زمینه شعر نیز فعالیت دارید و سروده های تان در قالب کتاب شعر به چاپ رسیده قطعاً از روحیه لطیفی برخوردار هستید این روحیه شاعری شما چقدر در نویسندگی فیلمنامه دخل و تصرف دارد؟

ما به ازایی که برای روحیه ی لطیف پیشنهاد می کنم، «شکندگی و آسیب پذیری» است. ویژگی مهمی که من همیشه سعی کرده ام موقع طراحی یا فرم دادن برخی از پرسوناژها نادیده اش نگیرم، همین «شکندگی و آسیب پذیری» است. اعتقاد دارم این دو مورد را نباید نادیده گرفت و یا سرکوب شان کرد، بلکه باید به حیات شان دامن زد. این ها و جوهاتی به شدت شخصی و در عین حال فراگیر در ما آدم ها هستند که بسیار همدلی برانگیزند. برای من شناخت و پرورش این حس ها و حساسیت ها در مواجهه با «امر شاعرانه» پدید می آید که صدا البته در نوشتن سریال هم از این امر بهره برده ام.

### در پایان اگر مشغول کار جدید در حوزه شعر و یا فیلمنامه نویسی هستید در حد امکان توضیح بفرمایید؟

در حوزه شعر دو کتاب آماده ی تحویل به ناشر دارم که هنوز تصمیمی برای آن ها نگرفته ام. در بخش سناریو نیز مشغول نوشتن سریال برای یکی از پلتفرم های نمایش خانگی هستم.